



بررسی رابطه بین گردشگری، رشد اقتصادی و توسعه مالی در ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۵)

شهین نرگسی^۱

روح‌اله بابکی^۲

مهناز عفتی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۷

چکیده

صنعت گردشگری، بزرگترین و متنوع‌ترین صنعت در دنیا به حساب می‌آید. تأثیر گردشگری بر افزایش میزان اشتغال و درآمدهای ارزی، رونق صنایع داخلی، گسترش همکاری‌های بین‌المللی موجب شده است تا نگرش کشورهای دنیا به مرز آن تغییر یافته و جایگاه مهمی در سیاست‌گذاری دولت‌ها

پیدا کند. از این رو در این پژوهش، رابطه بین صنعت گردشگری، رشد اقتصادی و توسعه مالی با استفاده از رویکرد تصحیح خطای برداری (VECM) و با بهره‌گیری از داده‌های سری زمانی در طی دوره (۱۳۶۸-۱۳۹۵) بررسی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین رشد اقتصادی و گردشگری رابطه مثبت و معنادار و بین رشد اقتصادی و توسعه مالی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. توسعه مالی همچون گردش مالی راحت در کشور مبدا و استفاده ساده از ابزارهای مالی در جهت تامین مالی برای گردشگران در رشد این صنعت نقش بسزایی دارد. همان‌گونه که افزایش توسعه مالی سبب رشد اقتصادی می‌گردد، افزایش رشد اقتصادی نیز سبب بهبود زیرساخت‌ها و توسعه صنعت گردشگری می‌شود.

واژه‌های کلیدی: صنعت گردشگری، رشد اقتصادی، توسعه مالی، ایران، مدل تصحیح خطای برداری (VECM).

طبقه بندی JEL: C50، O11، L83

۱- دانشجوی دکتری، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران. nargesi.shahin1@gmail.com

۲- استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول) roohollah.babaki@gmail.com

۳- کارشناسی ارشد علوم اقتصادی (توسعه اقتصادی و برنامه ریزی)، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران. mahnaz.efati94@gmail.com

۱- مقدمه

صنعت گردشگری پس از صنایع خودروسازی، ساختمان و غذایی، چهارمین صنعت برتر جهان است. میزان مشارکت این بخش در تولید ناخالص داخلی جهان بیش از بخش‌هایی همچون خودروسازی و کشاورزی و مشارکت آن در اشتغال از خودروسازی نیز بیشتر بوده است. ارقامی همچون ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی (۱۰ تریلیون دلار)، تولید یک شغل از میان هر یازده شغل، صادرات ۱/۳ تریلیون دلاری، ۰/۰۶ درصد از صادرات جهان، رشد گردشگری بین‌المللی به میزان ۱۰۳۵ میلیون نفر و پیش‌بینی رشد تعداد گردشگر به میزان ۱/۸ بلیون نفر در سال ۲۰۳۰، نشان می‌دهد صنعت گردشگری به یکی از بزرگترین و پررونق‌ترین بخش‌های اقتصادی جهان تبدیل شده است (سازمان جهانی گردشگری^۱، ۲۰۱۳). با توجه به پتانسیل بالقوه‌ای که در صنعت گردشگری ایران وجود دارد، می‌توان امیدوار بود که با سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در این صنعت، کشور ایران می‌تواند به قطب بزرگ گردشگری در منطقه تبدیل شود. به نحوی که در میان‌مدت و بلندمدت، درآمدهای ارزی حاصل از آن به‌عنوان عاملی مؤثر در برون‌رفت از اقتصاد تک محصولی مطرح گردد (مؤمنی و صالحیان و غلامی‌پور، ۱۳۹۰).

کشور ایران یکی از قطب‌های مهم گردشگری در جهان به شمار می‌رود که با برخورداری از سابقه دیرین تمدن و فرهنگ، طبیعت و شرایط اقلیمی گوناگون و عوامل دیگر از این دست، توانایی قرارگیری در جایگاه مناسب نقاط پرجاذبه گردشگری در سطح آسیا و بین‌المللی را دارد. همچنین، از لحاظ ابنیه و آثار تاریخی، جزء ۹ کشور نخست دنیا و از لحاظ جاذبه‌های اکوتوریستی در میان ۱۰ کشور برتر دنیا قرار دارد (ارمغان، ۱۳۸۶)، که این امر نشان‌دهنده استعداد و قابلیت زیاد کشور در جهت رشد و توسعه صنعت گردشگری است. با توجه به اتکای بیش از حد اقتصاد ایران به صادرات نفت خام و آسیب‌پذیری فراوان آن در اثر تغییرات قیمت نفت و سایر شوک‌های اقتصادی و غیراقتصادی، توسعه صنعت گردشگری تا حد زیادی می‌تواند این آسیب‌پذیری را بکاهد و عامل موثری برای مقابله با فقر باشد و موجب افزایش درآمد قشرهای مختلف جامعه، توزیع عادلانه ثروت، کاهش نرخ بیکاری، رونق اقتصاد و در نتیجه بهبود سطح رفاه و کیفیت زندگی مردم شود.

در ایران صنعت گردشگری آن‌چنان که باید و شایسته آن است گسترش و توسعه نیافته است. با وجود اینکه در تمامی برنامه‌های توسعه سالیانه اخیر، به‌رهایی از اقتصاد تک محصولی متکی بر صادرات نفت تأکید شده، ولی در مقام عمل موفقیتی در این زمینه بدست نیامده است.

مطابق با سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران لازم است سهم ایران از شمار گردشگران جهانی به ۱/۵ درصد در سال ۱۴۰۴ افزایش یابد، یعنی حدود ۲۰ میلیون نفر گردشگر از

بازار جهانی را سالانه به خود جذب نماید که این امر مستلزم سرمایه‌گذاری بیش از ۳۰ میلیارد تومان در این صنعت با سهم حدوداً ۱۶ درصدی بخش دولتی و مابقی از بخش خصوصی است. همچنین، طبق سند چشم‌انداز، سهم ایران از درآمد گردشگری جهانی باید به ۲ درصد در سال ۱۴۰۴ رشد یابد؛ به گونه‌ای که کشور ایران در سال ۱۴۰۴ سالانه نزدیک ۲۵ میلیارد دلار از محل گردشگر ورودی، درآمد کسب نماید اما روند کنونی به هیچ‌گونه رضایت‌بخش نیست و راه دشوار ایران برای دستیابی به ۲ درصد از درآمد جهانی توریسم را نمایان می‌سازد. لذا توجه به اهداف سند چشم‌انداز در این راستا می‌تواند عامل مهمی برای شتاب بخشیدن به آهنگ رشد و توسعه را فراهم نماید.

هدف از پژوهش حاضر، بررسی ارتباط بین گردشگری، رشد اقتصادی و توسعه مالی در کشور ایران می‌باشد. همچنین فرض شده است که گردشگری و توسعه مالی با رشد اقتصادی رابطه مثبت دارند و افزایش توسعه مالی سبب بهبود گردشگری می‌گردد. از این رو این مقاله در ۵ بخش تنظیم شده است: بعد از مقدمه در بخش اول، چارچوب نظری تحقیق در قالب رابطه گردشگری و رشد اقتصادی و همچنین رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در بخش دوم توضیح داده خواهد شد و مروری بر مطالعات گذشته صورت خواهد گرفت. در بخش سوم به روش‌شناسی تحقیق و بخش چهارم به یافته‌های پژوهش اختصاص خواهد داشت. در نهایت در بخش پنجم، نتایج و پیشنهادات پژوهش ارائه خواهد شد.

۲- مروری بر ادبیات تحقیق

۲-۱- گردشگری و رشد اقتصادی

امروزه اهمیت صنعت گردشگری در ایجاد اثرات مثبت اقتصادی در سطح دنیا به‌طور روز افزون آشکارتر شده که دولتمردان چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه گردشگری آن را به‌عنوان یکی از عوامل مهم ایجاد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری می‌دانند (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹).

افزایش گردشگری به‌عنوان یک منبع تامین مالی، سبب رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. رشد اقتصادی یک کشور نه تنها تابعی از نیروی کار، سرمایه، صادرات و عوامل دیگر در آن کشور است، بلکه می‌تواند تحت تاثیر میزان گردشگر وارد به آن کشور نیز باشد (بالاگوئر و کانتاولا، ۲۰۰۲). رشد صنعت گردشگری بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه، بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد. این کشورها گردشگری را به‌عنوان یک راه امید بخش بالقوه برای دستیابی به رشد اقتصادی و انسانی تلقی می‌کردند. در کشورهای کوچک با منابع سرمایه‌ای کمتر، صنعت گردشگری عامل مهم

استراتژی توسعه و برای کشورهای بزرگتر، به عنوان یک منبع اضافی کسب درآمد و راهی برای پیشرفت مناطق کمتر توسعه یافته در این کشورها است (هیگمن^۳، ۲۰۰۷). صنعت گردشگری نقش مثبتی از طریق مستقیم و غیرمستقیم در اقتصاد جوامع ایفا می‌کند. اثرات مستقیم صنعت گردشگری از مخارج اولیه گردشگران برای کالاها و خدمات مصرفی ایجاد می‌شود. این بخش از اثرات، باعث ایجاد اشتغال مستقیم و کسب درآمدهای ارزی از طریق خرید و فروش کالاها و خدمات به گردشگران می‌شود (باچر و همکاران^۴، ۲۰۰۳). گردشگری به صورت غیرمستقیم نیز بر رشد تاثیر می‌گذارد، چرا که اثر پویایی را در کل اقتصاد به شکل آثار سرریز و یا دیگر آثار خارجی نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، گردشگری می‌تواند به عنوان موتور محرک برای رشد اقتصادی عمل کند و رشد سایر فعالیت‌های اقتصادی را نیز که با آن صنعت مرتبط هستند و به آن، کالا یا خدمت ارائه می‌دهند و یا محصول آن را مصرف می‌کنند به همراه داشته باشد (مارین^۵، ۱۹۹۲).

رشد اقتصادی یکی از شاخص‌های کمی سنجش میزان پیشرفت اقتصاد کشورها بوده و عوامل اثرگذار بر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. این شاخص از عوامل متعددی تاثیر می‌پذیرد که در این میان ظرفیت‌های صنعت گردشگری، مانند ایجاد فرصت‌های شغلی، توسعه زیرساخت‌ها، ورود گردشگران خارجی، افزایش تقاضا برای کالاهای داخلی، افزایش صادرات و افزایش امکان سرمایه‌گذاری خارجی، از دلایل اصلی است که در راستای رشد اقتصادی باید بدان توجه ویژه‌ای داشت. با درک موقعیت برتر این صنعت در الگوهای مختلف توسعه اقتصادی، می‌توان رشد اقتصادی کشور را تقویت کرد. رشد اقتصادی از دیرباز مورد توجه علمای اقتصادی قرار داشته است. بطوری‌که می‌توان آدام اسمیت را نظریه‌پرداز رشد اقتصادی نامید و هدف مباحثی نظیر تقسیم کار نیز در نهایت به رشد اقتصادی خواهد رسید.

داستان انباشت سرمایه در کشورهای اروپای غربی، ژاپن و ایالات متحده برخی از نظریه‌پردازان را به سمت و سوی مدل رشد اقتصادی رهنمون ساخت. بر این اساس انباشت سرمایه به همراه نیروی کار مرهم هر مشکل و سبب ساز توسعه و ترقی تلقی می‌گشت. به همین علت نیز الگوی مذکور که ترکیبی از نیروی کار و سرمایه بود به الگوهای رشد اقتصادی منجر گردید. بتدریج روابط میان تولید، نیروی کار و سرمایه به ابزار ریاضی مسلط گردید و بدین ترتیب الگوی هارود - دومار^۶ طرح شد. در الگوی رشد هارود - دومار، شرایط رشد پایدار، با پیروی از اصل شتاب‌نگامی که سرمایه‌گذاری، دست‌کم تا حدودی ناشی از افزایش در تولید باشد بررسی می‌شود. در این چارچوب، همچنان که پس‌انداز در واکنش به افزایش درآمد رشد می‌یابد و ضرورتاً منجر به سرمایه‌گذاری می‌شود، شرایط

تبادل کوتاه‌مدت کنیز، مینی بر برابری پس انداز و سرمایه‌گذاری، شالوده‌ای برای رشد اقتصادی می‌شود. بر اساس الگوی هارود - دومار رشد اقتصادی به سه عامل زیر بستگی دارد:

الف) نرخ پس‌انداز که پس از تخصیص درآمد خانوار بین مصرف و پس‌انداز مشخص می‌شود.

ب) نسبت سرمایه به تولید که نشان‌دهنده میزان تقاضا برای سرمایه به ازای یک واحد تولید است.

ج) نرخ استهلاک که تا حدودی نشان‌دهنده کیفیت سرمایه‌گذاری در دوره مورد نظر است.

الگوی هارود - دومار به سرعت وارد معادلات اقتصادی گشت و در نظام‌های برنامه‌ریزی مورد استقبال شدید قرار گرفت. اما بتدریج انتقادات متعددی بر آن وارد گردید. یکی از انتقادات اساسی آن بود که الگوی یاد شده نمی‌توانست رشد اقتصادی واقعی را توضیح دهد و تفاوت پیش‌بینی‌های آن با واقعیت‌ها معنادار گشت. در سال ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ رابرت سولو^۷ الگوی رشد اقتصادی طرح نمود که به الگوی رشد نئوکلاسیک معروف است در الگوی سولو، چهار متغیر تولید، سرمایه، نیروی کار و دانش فنی اساس مدل را تشکیل می‌دهد. الگوی سولو به اشکال مختلفی ساده شده است. به طور مثال، در اقتصاد تنها یک کالای واحد و همگن تولید می‌شود، دولت وجود ندارد، اقتصاد در اشتغال کامل قرار دارد و نوسانات در اشتغال در نظر گرفته نشده است، تابع تولید یک تابع کلان با تنها سه نهاده است، نرخ‌های پس‌انداز، استهلاک، رشد جمعیت و پیشرفت فنی ثابت در نظر گرفته شده‌اند. همچنین این مدل بر قابلیت جانشینی کار و سرمایه با یکدیگر و کاهنده بودن بهره‌وری نهایی داده‌ها مبتنی است. در این الگو، رشد بلندمدت تولید سرانه تنها به پیشرفت فنی بستگی دارد. اما رشد در کوتاه‌مدت می‌تواند ناشی از پیشرفت فنی یا انباشت سرمایه باشد (بابایی و الفتی، ۱۳۸۱).

این الگو دارای فروض اساسی است که می‌توان به ۳ مورد آن اشاره داشت: فرض اول آن است که تابع دارای بازگشت به مقیاس ثابت با توجه به دو نهاده سرمایه و نیروی کار موثر می‌باشد. فرض دوم آن است که سایر داده‌ها به جز سرمایه، کار و دانش نسبتاً کم اهمیت می‌باشند، به خصوص در الگو، زمین و سایر منابع طبیعی در نظر گرفته نمی‌شود و بالاخره فرض اساسی سوم آن است که در چگونگی تغییرات موجودی کار، دانش و سرمایه با زمان سر و کار دارند و در حقیقت الگو پیوسته است.

مدل رشد اساسی نئوکلاسیک‌ها بدون عامل پیشرفت فنی به این نتیجه منجر می‌شود که وقتی اقتصاد روی مسیر رشد تعادلی و بلندمدت خود رشد می‌کند، محصول و سرمایه متناسب با نیروی کار رشد کرده و نرخ رشد هر سه یکسان است. اما این نتایج با شواهد تجربی و حقایق آماری مربوط به رشد که بیانگر این است که سرمایه و تولید هر دو به‌طور یکسان و متناسب رشد می‌یابند، سازگار

نیست. برای رفع این ناسازگاری می‌توان عامل پیشرفت فنی را به صورت نرخ افزایش بهره‌وری نیروی کار که به صورت برونزا تعیین می‌شود، به سیستم اضافه کرد. بنابراین، می‌توان بار دیگر نیروی کار را در مدل نئوکلاسیکی سولو به صورت نیروی کار مؤثر که نه تنها شامل کمیت تعداد کارگران می‌شود، بلکه عامل پیشرفت‌های فنی (عامل کیفی) را هم در خود دارد، تعریف نمود. الگوهای رشد نئوکلاسیکی با فرض تابع تولید کاب - داگلاس را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$Y_t = K_t^\alpha (A_t L_t)^{1-\alpha} \quad 0 < \alpha < 1 \quad (1)$$

که در آن، Y تولید کل، K سرمایه فیزیکی، L نیروی کار و A سطح پیشرفت تکنولوژی و AL نیروی کار مؤثر است. پیش‌بینی اصلی این الگو این است که درآمد واقعی تحت تاثیر نرخ پس انداز و نرخ رشد جمعیت است.

در دهه ۱۹۸۰ ایرادات اساسی که به الگوی هارود - دومار وارد شد، به الگوی سولو نیز وارد گردید. منتقدین معتقد بودند که پیشرفت تکنولوژیکی، خود دارای یک روابط علت و معلولی است. برخی دیگر از منتقدین به برونزا بودن رشد اقتصادی بلندمدت اشاره داشتند و معتقد بودند اگر تولید سرانه با نرخی که تنها به پیشرفت تکنولوژیکی بستگی دارد، چگونه می‌توان تفاوت‌های معناداری را در رشد اقتصادی کشورهای مختلف در بلندمدت تشریح کرد. بخصوص کشورهایی که به دلایل ساختار اقتصادی، جغرافیایی، قومی و تکنولوژیکی شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند و بر این اساس بود که نظریه رشد درون‌زا طرح گردید. طرح الگوی رشد درون‌زا سبب ورود مباحث جدیدی نظیر تحقیق و توسعه به عرضه رشد اقتصادی شد و پس از آن مباحثی نظیر تفاوت در زیرساخت‌های اجتماعی و مباحثی نظیر رانت جویی، فساد، ثبات سیاسی و نظایر آن به مدل‌های رشد وارد گردید و به نظر می‌رسد که مباحث اخیر تا حدودی توانسته‌اند که از یکپارچگی گذشته الگوهای رشد بکاهند و الگوها را بر اساس شرایط اقتصادی و اجتماعی هر کشور طراحی کنند. تئوری رشد درون‌زا مفهومی ساده برای رشد اقتصادی است که از درون سیستم یا به عبارت بهتر از درون یک کشور، تحقق پیدا می‌کند. اساس این نظریه بر این اصل استوار است که رشد تکنولوژیکی درون‌زا بوده و به عوامل اقتصادی دیگر بستگی دارد. این مسئله را می‌توان در مقالات رومر^۸ (۱۹۸۶) و یا لوکاس^۹ (۱۹۸۸) به روشنی دریافت (گسگری و میستری، ۱۳۸۹).

۲-۲- توسعه مالی و رشد اقتصادی

نظام‌های مالی کارآمد با شناسایی و تامین مالی فرصت‌های مناسب کسب و کار، تجهیز پس-نماها، پوشش و متنوع‌سازی ریسک و همچنین تسهیل مبادلات کالاها و خدمات موجب گسترش فرصت‌های سرمایه‌گذاری می‌گردند. از سوی دیگر، افزایش کارایی در سیستم مالی در نهایت با بهبود تخصیص منابع، ارتقای سرمایه‌گذاری و تسریع در انباشت سرمایه، موجبات رشد بالاتر اقتصادی را فراهم می‌آورد (کریئن^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۴).

همچنین، سیستم‌های مالی کارآمد موانع تامین مالی خارجی را کاهش داده و با تسهیل شرایط دسترسی واحدهای تولیدی و صنعتی به سرمایه‌های خارجی، زمینه گسترش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بیشتر را فراهم می‌سازند. به طور کلی، دو دیدگاه درباره‌ی توسعه‌ی مالی و رشد اقتصادی وجود دارد: در دیدگاه اول، بیان می‌شود که توسعه‌ی مالی تاثیری بر رشد اقتصادی ندارد. می‌پرو و سیرز^{۱۱} (۱۹۸۴) نمونه‌هایی از این دیدگاه هستند. طبق این دیدگاه توسعه‌ی مالی ممکن است به دلایل زیر برای رشد اقتصادی سودمند نباشد: (۱) ناپایداری و آشفتگی ذاتی فرایند قیمت‌گذاری بازار سهام در کشورهای درحال توسعه، راهنمای خوبی برای نشان دادن تخصیص کارای سرمایه‌گذاری نیست. (۲) ممکن است که شوک‌های نامطلوب اقتصادی به دلیل ارتباط متقابل بین بازارهای پول و سهام باعث بی‌ثباتی کلان اقتصادی و کندی رشد اقتصادی بلندمدت شود. (۳) بخش بانکی در برخی از کشورهای درحال توسعه به ویژه برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا دارای مزیت‌هایی است که توسعه‌ی بازار سهام ممکن است که نظام بانکی این کشورها را ضعیف کند.

دیدگاه دوم که برای اولین بار از سوی پاتریک^{۱۲} (۱۹۹۶) مطرح شد، بر وجود رابطه‌ی همسو بین توسعه‌ی بخش مالی و رشد اقتصادی تاکید می‌کند. طرفداران این دیدگاه بر این باورند که تغییر در بازارهای مالی در نتیجه‌ی رشد بخش واقعی اقتصاد (به دلیل پیشرفت تکنولوژی یا ارتقای بهره‌وری نیروی کار) به وجود خواهد آمد. به بیان دیگر، رشد اقتصادی علت رشد بخش مالی است. وجود بازارهای مالی کارا، افزایش عرضه‌ی خدمات مالی را در پی دارد. این موضوع به نوبه‌ی خود باعث گسترش تقاضا برای بخش حقیقی اقتصاد می‌شود. در این رویکرد، توسعه‌ی بخش مالی مقدم بر توسعه‌ی بخش حقیقی اقتصاد است.

کشورهای توسعه یافته به دلیل گسترده بودن نهادها و مؤسسات مالی، استفاده از ابزارهای مختلف مالی و وجود قوانین مالی مناسب، از بخش مالی کارآمدتری برخوردار هستند. برخی از اقتصاددانان بر این باورند که توسعه‌ی مالی تاثیر انکارناپذیری در عملکرد کلان اقتصادی کشورها داشته است، تا حدی که امروزه در اکثر کشورهای توسعه‌یافته بخش عمده‌ای از تحولات در اقتصاد جهانی را به این بازارها نسبت می‌دهند. اما شرایط در کشورهای در حال توسعه متفاوت است. در

بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل دولتی بودن بخش بزرگی از نظام مالی، خدمات بانکی ناکارا، کمبود منابع، وجود ساختار دوگانه بخش مالی (رسمی و غیر رسمی) و غالب بودن عملکرد بخش غیررسمی، نهادها و موسسات مالی از کارایی مطلوب برخوردار نیستند. از این رو، برخی از اقتصاددانان کندی رشد اقتصادی در برخی از کشورهای در حال توسعه را به ناکارآمدی و توسعه نیافتگی بخش مالی نسبت می‌دهند و اصلاحات نظام‌مند این بخش را برای دستیابی به رشد اقتصادی سریع‌تر توصیه می‌کنند.

نکته مهمی که باید بدان توجه شود این است که شاخص‌های سنتی توسعه مالی نظیر عمق مالی، سرکوب مالی و سهم بخش غیردولتی از کل تسهیلات بانکی ممکن است موجب گمراهی در تعیین درجه توسعه یافتگی مالی کشورها شود. بدین منظور، اکثر مطالعات تجربی جدید، شاخصی ترکیبی از چند معیار را مدنظر قرار می‌دهند. عمق مالی بیشتر در اقتصاد معرف توسعه مالی بیشتر است. معیارها برای اندازه‌گیری عمق مالی در اقتصاد عبارتند از:

- ۱) نسبت اعتبارات داخلی اعطاء شده توسط سیستم بانکی به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی
- ۲) نسبت تعهدات نقدی به تولید ناخالص داخلی. تعهدات M3 حاصل جمع M2 و چک‌های مسافرتی، سپرده‌های مدت‌دار ارزی، اسناد تجاری و سهام صندوق‌های بازار پول نگاهداری شده بوسیله ساکنین کشور می باشد.
- ۳) نسبت تعهدات شبه نقدی به تولید ناخالص داخلی. تعهدات شبه نقدی تفاوت M1 و M3 می باشند.
- ۴) نسبت ذخایر نقدی بانک‌ها به دارایی‌های آنها (تقوی، ۱۳۸۵)
- ۵) اندازه بازار سهام که با نسبت ارزش بازار سهام به تولید ناخالص داخلی مشخص می شود.
- ۶) نسبت فعالیت یا گردش که عبارت از ارزش سهام مبادله شده به ارزش جاری، سهام می باشد.

بنابراین با کاهش سرکوب مالی یعنی حذف محدودیت‌هایی که دولت بر نظام مالی تحمیل می‌کند، عمق مالی افزایش و نظام مالی توسعه یافته‌تر می‌گردد. بحران مالی یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند تأثیر منفی بر تقاضای گردشگری داشته باشد. بر این اساس می‌توان انتظار داشت که با تشدید بحران مالی جهانی، درآمد سرانه در کشورها کاهش یافته و با کاهش درآمد سرانه و کاهش قدرت خرید واقعی گردشگران، تقاضای گردشگری کاهش یابد.

۲-۳- مروری بر مطالعات انجام شده

خوارزمی (۱۳۸۴)، در مطالعه خود تحت عنوان بررسی رابطه گردشگری و تجارت در ایران به این نتیجه رسیده است که رابطه علی یک طرفه بین تجارت و توریسم (از تجارت به توریسم) برقرار است و تجارت به عنوان یک عامل مهم در تقاضای گردشگری به شمار می‌رود.

طیپی و همکاران (۱۳۸۷)، به بررسی رابطه گردشگری بین المللی و رشد اقتصادی در ایران با استفاده از الگوی علی گرنجری در دوره ۱۳۳۸-۱۳۸۳ پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی ایران، یک رابطه علی دو طرفه است و بین این دو متغیر، یک تعادل بلندمدت وجود دارد.

باوری و همکاران (۱۳۸۸)، رابطه میان صنعت گردشگری و رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی را بر پایه مدل های پانل پویا و پانل ایستا، مورد بررسی قرار داده و رابطه میان گردشگری و رشد اقتصادی کشورهای اسلامی در دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۰ را با استفاده از برآوردکننده‌ها، گشتاورهای تعمیم‌یافته، اثرات ثابت و اثرات تصادفی برآورد کرده‌اند. نتایج تجربی پژوهش آنها رابطه مثبت میان مخارج گردشگری و رشد اقتصادی در این کشورها را تأیید می‌کند.

میرزایی و همکاران (۱۳۹۰)، به بررسی آماری تأثیر توسعه گردشگری بر رشد تولید ناخالص داخلی (مقایسه ایران و کشورهای منتخب) از طریق داده‌های تابلویی پرداختند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده این است که در کشورهای صادرکننده نفت صنعت گردشگری اثر کمتری بر رشد اقتصادی دارد.

بلاگر و کانتاولا- جوردا^{۱۳} (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای نقش گردشگری را در توسعه اقتصادی بلندمدت اسپانیا مورد بررسی قرار دادند. آنها با استفاده از داده‌های فصلی، از فصل اول ۱۹۷۵ تا فصل اول ۱۹۹۷ و به کمک روش همجمعی جوهانسن این رابطه را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این مطالعه وجود رابطه مثبت و معنادار بین گردشگری و رشد اقتصادی را مورد تأیید قرار داد.

خطیب سمنانی و فتحی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به بررسی راه‌کارهای توسعه گردشگری در آذربایجان غربی پرداختند. هدف این تحقیق معرفی توانمندی‌های گردشگری استان آذربایجان غربی و شناخت عوامل تأثیرگذار بر تعداد گردشگران وارد شده به استان آذربایجان غربی است. با این فرضیه که افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد تأثیر مثبتی بر افزایش تعداد گردشگران دارد. در مطالعه‌ی حاضر برای بررسی متغیرهای مؤثر بر گردشگری مدلی برآورد شده است که نشان می‌دهد افزایش سرمایه‌گذاری با دو دوره وقفه، افزایش تعداد گردشگران دوره‌ی قبل افزایش درآمد سرانه و کاهش سطح قیمت‌ها تأثیر مثبتی بر افزایش تعداد گردشگران می‌گذارد.

انجینیو مارتین و مورالز^{۱۴} (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان گردشگری و رشد اقتصادی در کشورهای آمریکای لاتین، با روش داده‌های تابلویی به بررسی اثر توسعه گردشگری بر رشد اقتصادی در کشورهای آمریکای لاتین پرداخته‌اند. آنها در مقاله خود ضمن معرفی عوامل موثر بر رشد اقتصادی از جنبه‌های فیزیکی و اجتماعی، تاثیر گردشگری را نیز مورد بررسی قرار دادند و برای این منظور این کشورها را به سه گروه کشورهای با درآمد پایین، متوسط و بالا تقسیم‌بندی کردند. نتایج حاصل از مطالعه آنها حاکی از آن است که در کشورهای با درآمد متوسط و پایین رشد بخش گردشگری تاثیر قابل توجهی بر رشد اقتصادی آن کشورها می‌گذارد، اما توسعه گردشگری در کشورهای با درآمد بالا با رشد اقتصادی آن کشورها ارتباط ندارد.

کیم و همکاران^{۱۵} (۲۰۰۶)، در مطالعه خود رابطه علی بین گسترش گردشگری و رشد اقتصادی در تایوان با استفاده از آزمون علیت گرنجر مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه آنها، وجود رابطه علیت دو طرفه را بین این دو متغیر را مورد تایید قرار داد. به عبارت دیگر توسعه گردشگری و رشد اقتصادی در تایوان، یکدیگر را تقویت می‌کنند.

فایسا و همکاران (۲۰۰۹)، به بررسی سهم صنعت گردشگری بر رشد اقتصادی و توسعه کشورهای آمریکای لاتین پرداخته‌اند. در این مطالعه از داده‌های تابلویی ۱۷ کشور آمریکای لاتین طی دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۴ در چارچوب مدل رشد نئوکلاسیک استفاده کرده‌اند. نتایج به دست آمده کشورهای آمریکای لاتین مشابه نتایج به دست آمده برای کشورهای آفریقایی است.

زورتاک (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای برای اقتصاد ترکیه، سهم و کمکی که توسعه سریع بخش گردشگری، به ویژه بعد از دهه ۱۹۸۰ در رشد اقتصادی این کشور دارا بوده را مورد بررسی قرار داد. او برای این منظور از داده‌های فصلی از فصل اول ۱۹۹۰ تا فصل سوم ۲۰۰۸ استفاده نمود و از طریق آزمون علیت گرنجر و بر اساس روش VECM، به بررسی رابطه بین توسعه گردشگری و رشد اقتصادی پرداخت که نتایج، رابطه یک طرفه از توسعه گردشگری به سمت رشد اقتصادی را نشان داد.

فیگنی و ویکی^{۱۶} (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با بررسی تاثیر سطح توسعه اقتصادی یک کشور بر پویایی گردشگری و رشد اقتصادی، دریافتند که گردشگری رشد را در کشورهای در حال توسعه افزایش نمی‌دهد، در حالی که ارتباط بین گردشگری و رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته بیشتر اتفاق می‌افتد.

سانگ و لین^{۱۷} (۲۰۱۰)، اثر بحران مالی ۲۰۰۷ را بر گردشگری در آسیا با استفاده از الگوی ARDL تخمین زدند و مشخص گردید که بحران مالی، هم بر گردشگری داخلی و هم خارجی در آسیا اثر منفی داشته است.

ستانه و همکاران^{۱۸} (۲۰۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان تاثیر رشد اقتصادی بر گردشگری در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی، دریافتند که گردشگری تاثیر مثبتی بر رشد در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه دارد و تاثیر آن بر کشورهای در حال توسعه بیشتر است. کاکیر و باساریر^{۱۹} (۲۰۱۵)، رابطه تصادفی بین گردشگری بر توسعه مالی، مصارف انرژی و انتشارات کربن در ترکیه و چهار کشور اتحادیه اروپا (فرانسه، اسپانیا، ایتالیا و یونان) طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۱۰ بررسی نمودند و به وجود یک رابطه دو طرفه بین گردشگری و توسعه مالی پی بردند.

کومار و همکاران^{۲۰} (۲۰۱۵)، با استفاده از رویکرد ARDL سهم گردشگری را به همراه سایر محرک‌های موثر از جمله توسعه مالی و شهرنشینی در رشد اقتصادی فیجی طی سال‌های ۱۹۸۱-۲۰۰۹ مورد بررسی قرار داد. آنها دریافتند که به ازای بازده خروجی هر کارگر، گردشگری به میزان ۰/۱۳ درصد افزایش می‌یابد در حالی که توسعه مالی بالاترین سهم را در این افزایش به میزان ۰/۷۱ درصد به ازای هر نفر در بلندمدت دارد.

شهپاز و همکارانش^{۲۱} (۲۰۱۶)، رابطه بین توسعه مالی، گردشگری و تجارت را طی سال‌های ۱۹۷۵-۲۰۱۳ برای کشور مالزی مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که رابطه دو طرفه بین این سه متغیر نشان دهنده تاثیر متقابل و مثبت بین آنها و افزایش درآمد و بهبود وضعیت بخش‌های کلیدی کشور از طریق گردشگری می‌باشد. رامپال^{۲۲} (۲۰۱۷)، به بررسی رابطه بین گردشگری، توسعه مالی و رشد اقتصادی در هند پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان داده است که گردشگری سبب رشد اقتصادی می‌گردد و با افزایش توسعه مالی رشد اقتصادی و گردشگری افزایش یافته است.

۳- روش‌شناسی تحقیق

۳-۱- آزمون هم‌انباشتگی جوهانسون - جوسیلیسیوس^{۲۳}

سه محدودیت مهم در استفاده از روش حداقل مربعات معمولی برای تخمین رابطه تعادلی بلندمدت وجود دارد. این محدودیت‌ها عبارتند از: تخمین‌ها، کارایی مجانبی ندارند، آزمون فرضیه را بطور مستقیم نمی‌توان روی ضرایب انجام داد و اگر بیش از یک بردار تعادلی وجود داشته باشد، روش OLS^{۲۴} تخمین‌های سازگاری از هیچ یک از بردارهای هم‌انباشته ارائه نمی‌کند. یوهانسون و جوسیلیوس با ارائه روشی، محدودیت‌های ارائه شده را برطرف نمودند. اساس کار آنها را یک مدل VAR^{۲۵} جهت بدست آوردن بردار یا بردارهای هم‌جمعی تشکیل می‌دهد.

آزمون اثر^{۲۶} و آزمون حداکثر مقدار ویژه^{۲۷} دو نوع آزمون برای بدست آوردن تعداد بردارهای همجمعی موجود می‌باشند. آزمون اثر به بررسی این فرضیه می‌پردازد که تنها r مقدار ویژه اولیه، مخالف صفر است و بقیه برابر صفر هستند. یعنی:

$$H_0: = \lambda_i = 0 \quad i = r+1, K, k \quad (2)$$

این فرضیه با آماره آزمون اثر، آزمون می‌شود:

$$\lambda_{Trace} = -2\ln(Q) = -n \sum_{i=r+1}^t \ln(1 - \lambda_i^{\wedge}) \quad r = 0, 1, \dots, k-1 \quad (3)$$

که در آن Q نسبت تابع حداکثر درست نمایی، مقید به تابع حداکثر درست نمایی غیر مقید، λ برآورد ریشه‌های مشخصه حاصل از تخمین π و n تعداد مشاهدات است. یوهانسون و یوسیلیسیوس مقادیر بحرانی λ_{Trace} را از طریق مطالعات شبیه‌سازی بدست آورده‌اند. مطابق آزمون حداکثر مقدار ویژه، فرضیه صفر مبنی بر وجود r بردار هم‌جمعی، در مقابل وجود بردار $r+1$ بردار هم‌جمعی آزمون می‌شود. هنگامی وجود r بردار هم‌جمعی پذیرفته می‌شود که کمیت آماره آزمون، از مقدار بحرانی کوچکتر باشد (گجراتی، ۲۰۰۸).

۳-۲- الگوی تصحیح خطای برداری (VECM)

یک الگوی خود توضیح برداری VAR که دارای K متغیر درونزا و P وقفه زمانی برای هر متغیر است در شکل ماتریسی به صورت زیر نمایش داده می‌شود:

$$Y_T = A_1 Y_{T-1} + A_2 Y_{T-2} + \dots + A_P Y_{T-P} + U_T \quad (4)$$

$$U_T = N(0, \delta)$$

که در این رابطه Y_T و وقفه‌های آن بردارهای $K \times 1$ مربوط به متغیرهای الگو هستند. A_i برای $i=1, \dots, p$ ماتریسهای $K \times k$ ضریب الگو هستند و U_T بردار $K \times 1$ مربوط به جملات اخلال الگو است. اکنون برای پیوند دادن رفتار کوتاه‌مدت Y_T به مقادیر تعادلی بلندمدت آن می‌توان رابطه بالا را در قالب الگوی تصحیح خطای برداری VECM به صورت زیر درآورد:

$$\Delta Y_T = \beta_1 \Delta Y_{T-1} + \beta_2 \Delta Y_{T-2} + \dots + \beta_{p-1} \Delta Y_{T-p+1} + \pi Y_{T-p} + U_T \quad (5)$$

$$\beta_1 = -(I - A_1 - A_2 - \dots - A_i) \quad \pi = -(I - A_1 - A_2 - \dots - A_p)$$

ماتریس π حاوی اطلاعات مربوط به روابط تعادلی بلندمدت است. در واقع $\alpha\beta' = \pi$ است که در آن α ضرایب تعدیل عدم تعادل و نشان‌دهنده سرعت تعدیل به سمت تعادل بلندمدت و β ماتریس ضرایب روابط تعادلی بلندمدت است. بنابراین جمله $\beta'Y_{T-p}$ آورده شده معادل جمله تصحیح خطا (ECT)^{۲۸} در الگوی تک معادله ای $U_T = Y_T - \beta X_T$ با این تفاوت که حداکثر دارای (K-1) بردار مستقل است.

در واقع $\beta'Y_{T-p}$ دارای K ستون برداری است اما حداکثر فقط (K-1) عدد از این بردارها می‌توانند بیانگر روابط تعادلی بلندمدت باشند. اغلب تعداد روابط تعادلی بلندمدت از (K-1) کمتر است. لازم به ذکر است که در هر یک از معادلات، علامت ضرایب تصحیح خطای بدست آمده به نوعی با علامت ضریب متغیر وابسته این معادله در بردار هم‌جمع‌ی مرتبط است؛ به گونه‌ای که اگر در رابطه تعادلی به دست آمده ضریب مورد نظر مثبت باشد، انتظار می‌رود علامت سرعت تعدیل منفی باشد و برعکس. برای تخمین ضرایب الگوی VECM معادلات الگو به روش OLS برآورد می‌شود، زیرا از آنجا که مجموعه متغیرهای (با وقفه) توضیح‌دهنده در همه معادلات الگو یکسان است برآوردکننده‌های OLS کارا خواهند بود. درعین حال با توجه به اینکه تمامی متغیرهای الگو $I(0)$ هستند انجام آزمون‌های فرضیه با استفاده از آماره های T و F از اعتبار لازم برخوردار است (تاشکینی^{۲۹}، ۲۰۰۵).

۳-۳- مدل پژوهش

در این مطالعه برای آزمون رابطه علیت بین رشد اقتصادی، گردشگری و توسعه مالی از مدل خودرگرسیون برداری، استفاده شده است. یکی از علت‌های انتخاب این مدل این است که در اغلب اوقات، متغیرهای اقتصادی علاوه بر متغیرهای برون‌زا، از مقادیر با وقفه خود نیز تأثیر می‌پذیرند. مدل چند متغیره خودرگرسیون برداری، انتخاب شده برای تخمین رابطه علی بین گردشگری، توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران را می‌توان به صورت زیر نمایش داد:

$$G_t = f(T_t \times F_t) \quad (6)$$

اگر این معادله به صورت لگاریتمی-خطی نوشته شود، به صورت زیر قابل نمایش است:

$$\ln G_t = \ln T_t + \ln F_t + \mu_t \quad (7)$$

که در آن G: تولید ناخالص داخلی سرانه، T: گردشگری بین‌المللی و F: توسعه مالی است.

اقتصاددانان از داده‌های تولید ناخالص داخلی^{۳۰} (GDP) به عنوان معیار رشد اقتصادی استفاده می‌کنند (بادی، الکس، آلان^{۳۱}، ۲۰۰۰). در این تحقیق، تعداد گردشگران وارد شده به کشور (گردشگری بین‌المللی) به عنوان جایگزین توسعه گردشگری استفاده می‌شود (وانگ، گادبی^{۳۲}، ۱۹۹۴) که داده‌های سری زمانی تعداد گردشگران وارد شده به ایران از سالنامه‌های آماری کشور طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۴ به دست آمده است. اگرچه دریافتی از گردشگری معمولاً به عنوان یک جایگزین دیگر برای فعالیت گردشگری استفاده می‌شود، اما به علت دقیق نبودن آمار موجود و نااطمینانی در داده‌ها، دریافتی گردشگری مدنظر قرار نمی‌گیرد. آمار شاخص توسعه مالی و رشد اقتصادی از بانک جهانی استخراج گردیده است. اطلاعات تولید ناخالص داخلی، تعداد گردشگران وارد شده به ایران و توسعه مالی به صورت فرم لگاریتمی استفاده می‌شود که تنها به دلیل تفسیر آسان ضرایب در فرم لگاریتمی است. فرم لگاریتمی درصد تغییر متغیر وابسته را با درصد تغییر متغیر توضیحی نشان می‌دهد.

۴- یافته‌های پژوهش

با استفاده از تکنیک خود توضیح برداری غیرمقیمد (VECM)، یک الگوی خودتوضیح برداری سه متغیره بر اساس تحلیل‌های نظری بیان شده برآورد می‌شود. متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از: LTOURISM: لگاریتم توریسم، LGNP: لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه (رشد اقتصادی)، LFINANCE: لگاریتم توسعه مالی.

قبل از برآورد مدل لازم است که مانایی متغیرها مورد بررسی قرار گیرد. جهت بررسی مانایی متغیرها از آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته (ADF) استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۱ قابل مشاهده است.

بر اساس جدول ۱، نتایج آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته ADF نشان‌دهنده آن است که کلیه متغیرها با سطح اطمینان ۰/۰۹۹ در سطح نامانا بوده اما پس از یک بار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند و در نتیجه کلیه متغیرهای موجود در مدل I(1) هستند. همچنین برای تعیین وقفه‌های مناسب برای سیستم، با توجه به حجم نمونه، معیار آکاییک (AIC) ملاک عمل قرار می‌گیرد. براساس نتایج ارائه شده در جدول ۲ مقدار آماره‌ی آکاییک وقفه چهارم است.

جدول ۱- نتایج حاصل از بررسی مانایی متغیرها

متغیر	آماره ADF محاسبه شده	آماره ADF در سطح %۹۹	آماره ADF در سطح %۹۵	آماره ADF در سطح %۹۰
LTOURISM	-۲/۳۶	-۲/۶۱	-۱/۹۴	-۱/۶۱
LFINANCE	-۵/۹۴	-۳/۵۸	-۲/۹۲	-۲/۶۰
LGNP	-۴/۰۶	-۳/۵۸	-۲/۹۲	-۲/۶۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۲- تعیین تعداد وقفه‌های بهینه

وقفه	LOGL	LR	FPE	AIC	SC	HQ
۱	۶۶/۵۹	NA	۱/۰۵	-۲/۹۵	-۲/۵۶*	-۲/۸۱
۲	۸۰/۵۶	۳۳/۶۳	۸/۱۷	-۳/۲۰	-۲/۴۴	-۲/۹۳*
۳	۸۷/۸۰	۱۱/۱۳	۹/۱۱	-۳/۱۱	-۱/۹۶	-۲/۷۰
۴	۱۰۴/۱۰	۱۹/۷۹*	۷/۲۰*	-۳/۳۸*	-۱/۸۵	-۲/۸۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در این مرحله با استفاده از آماره آزمون اثر و آزمون حداکثر مقادیر ویژه، به بررسی وجود یا عدم وجود بردار یا بردارهای هم‌انباشتگی میان متغیرهای الگو می‌پردازیم. آزمون حداکثر مقادیر ویژه، وجود I بردار هم‌انباشتگی کننده را در برابر $I+1$ بردار هم‌انباشتگی کننده مورد آزمون قرار می‌دهد. I بردار هم‌انباشتگی زمانی پذیرفته می‌شود که کمیت آماره آزمون از مقدار بحرانی آن کوچکتر باشد. آزمون اثر، وجود حداکثر I بردار هم‌انباشتگی را در مقابل وجود بیشتر از I بردار هم‌انباشتگی آزمون می‌نماید. نتایج حاصل از آزمون‌های اثر و آزمون حداکثر مقادیر ویژه برای تعیین تعداد بردارهای هم‌انباشتگی متغیرهای مدل در جداول ۳ و ۴ ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج حاصل از آزمون اثر برای تعیین تعداد بردارهای هم‌انباشتگی

آزمون اثر		آماره آزمون	مقدار بحرانی سطح اطمینان %۹۵
فرضیه صفر	فرضیه مقابل		
$r=0$	$r \geq 1$	۳۳/۳۴	۲۹/۷۹
$r \leq 1$	$r \geq 2$	۴/۵۴	۱۵/۴۹
$r \leq 2$	$r \geq 3$	۰/۰۰	۳/۸۴

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۴- نتایج حاصل از آزمون حداکثر مقادیر ویژه برای تعیین تعداد بردارهای هم‌انباشته

آزمون اثر		آماره آزمون	مقدار بحرانی سطح اطمینان ۹۵٪
فرضیه صفر	فرضیه مقابل		
$r=0$	$r=1$	۲۸/۷۹	۲۱/۱۳
$r \leq 1$	$r=2$	۴/۵۳	۱۴/۲۶
$r \leq 2$	$r=3$	۰/۰۰	۳/۸۴

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتایج آزمون اثر و آزمون حداکثر مقادیر ویژه وجود یک بردار هم‌انباشته‌ی پذیرفته می‌شود. در نتیجه می‌توان اقدام به برآورد مدل VECM با در نظر گرفتن یک بردار هم‌انباشته‌ی نمود (جدول ۵).

جدول ۵- نتایج حاصل از برآورد مدل VECM

متغیرها	LGNP(-1)	LTourism(-1)	LFinancial(-1)	C
بردار	۱/۰۰	۰/۰۸ (۲/۰۷)	۰/۲۷ (۲/۶۴)	۶/۴۶

(توضیحات: اعداد داخل پرانتز آماره‌های t می‌باشد).

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج حاصل از برآورد مدل VECM نشان می‌دهد که رابطه میان رشد اقتصادی و گردشگری مثبت می‌باشد. به عبارت دیگر، با افزایش ورود گردشگرها به داخل کشور، رشد اقتصادی کشور افزایش می‌یابد.

هر اندازه اقتصاد ملی کشور بزرگ‌تر باشد و سهم گردشگری در مجموع فعالیت‌های اقتصادی کشور و به تعبیر دقیق‌تر اقتصادی، سهم ارزش افزوده‌ی صنعت گردشگری در تولید ناخالص ملی قابل توجه‌تر باشد که به‌طور متعارف این امر در اقتصادهای کوچک‌تر خود را نشان می‌دهد، آنگاه درجه‌ی تأثیرگذاری تحولات در صنعت گردشگری بر رشد اقتصاد ملی بیشتر خواهد بود.

با توسعه فعالیت‌های گردشگری زمینه برای ایجاد اشتغال فراهم می‌شود و این امر برای کشورهایی که با جمعیت جوان و متقاضی روبه‌رو هستند، بسیار مفید است. لازم به ذکر است که از هر ده نفر گردشگر که وارد کشور می‌شوند، یک فرصت شغلی ایجاد می‌گردد و سبب رشد اقتصادی می‌شود.

در رابطه با توسعه مالی و رشد اقتصادی نیز می‌توان گفت که رابطه این دو متغیر مثبت و معنی‌دار می‌باشد. بخش مالی با کاهش هزینه‌های مبادلاتی و دسترسی به اطلاعات باعث تجهیز پس‌انداز و تسهیل تامین مالی شده است. این امر به نوبه‌ی خود باعث افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی سریع‌تر شده است. این نتیجه با مبانی نظری توسعه‌ی مالی و رشد اقتصادی سازگار است. در راستای توسعه مالی، اعتبارات بانک‌ها به بخش دولتی باید کاهش یابد و اعتبارات بانک‌ها به بخش خصوصی تعلق گیرد. هر چه کشوری بازار مالی توسعه یافته‌تری داشته باشد، نتیجه آن رشد اقتصادی بالاتر خواهد بود.

جدول ۶ برآورد ضرایب تعدیل را نشان می‌دهد. این ضرایب سرعت تعدیل متغیرها را نسبت به بی‌تعدالی‌های دستگاه یا جملات تصحیح خطا اندازه‌گیری می‌نمایند. در صورت بی‌تعدالی یعنی انحراف از روابط تعادلی بلندمدت، باید برخی متغیرها بار تعدیل بر ای رسیدن به روابط تعادلی مذکور را به عهده بگیرند. در غیر این صورت، تضمینی برای هم‌انباشتگی متغیرهای سیستم وجود نخواهد داشت. الگوی تصحیح خطای کوتاه‌مدت یک الگوی بازخور محسوب می‌شود و در آن متغیر وابسته نسبت به بی‌تعدالی دستگاه تعدیل می‌گردد. در حقیقت وجود این سازوکار بازخور، رسیدن به رابطه تعادلی بلندمدت را تضمین می‌کند. در این الگو، ضریب تعدیل بیانگر وجود رابطه کوتاه-مدت بین متغیرها در راستای یک رابطه بلندمدت است. طبق یافته‌های به دست آمده، ضریب خطا تقریباً ۰/۲۲- می‌باشد. بدین معنی که اگر شوکی به رابطه تعادلی بلندمدت وارد شود، هر فصل به اندازه ۲۲ درصد تصحیح می‌گردد.

جدول ۶- نتایج حاصل از برآورد ضرایب تعدیل

روابط هم‌انباشتگی	D(LGNP)	D(LTOURISM)	D(LFINANCE)
بردار ۱	-۰/۲۲ (-۴/۵۷)	-۰/۷۵ (-۲/۵۶)	۰/۰۴ (۰/۳۸)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۴-۱- نتایج حاصل از توابع عکس‌العمل آنی

پس از طی مراحل لازم و برآورد الگو، می‌توان با معیار تابع واکنش ضربه‌ای و تجزیه واریانس، پویایی موجود در الگو را بررسی کرد.

بدین ترتیب می‌توان واکنش متغیرهای درون‌زای الگو را نسبت به تکانه‌های ناشی از همان متغیر و متغیرهای دیگر و همچنین سهم و مشارکت هر یک از متغیرها را در خطای پیش‌بینی

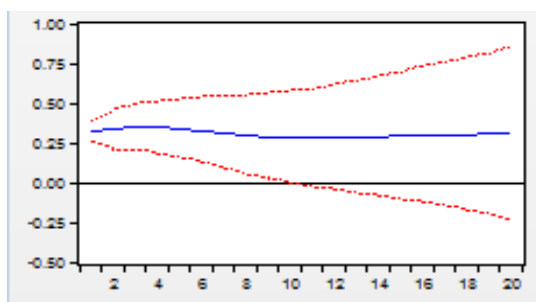
متغیرها بررسی نمود. این بررسی اجازه خواهد داد تا نقش این متغیرها و ترتیب اهمیت آنها از جهت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مشخص گردد.

ابتدا نتایج حاصل از تکانه‌های وارده بر هر یک از متغیرهای مستقل وارده بر لگاریتم گردشگری قرار می‌دهیم. لازم است یادآوری شود که تکانه‌های وارد شده به میزان دو انحراف معیار است که بر اساس واریانس جمله خطا در الگوی ساختاری محاسبه می‌گردد.

از طریق تابع واکنش ضربه، چگونگی پاسخ یا عکس‌العمل هر متغیر در طول زمان زمان را در برابر شوک ایجاد شده در خودش یا شوک به وجود آمده در سایر متغیرها در سیستم معادلات مشخص می‌گردد. به طور کلی این تکنیک، روابط پویای متغیرهای درون مدل الگوی تصحیح خطای برداری را بیان می‌کند.

پیش از آغاز بررسی تأثیرات شوک‌های وارده بر متغیرها بهتر است دوباره اشاره شود، هنگام بررسی مانایی متغیرها نتایج به دست آمده حاکی از نامانایی متغیرها بوده است که این دلیل بر ماندگاری اثر شوک‌ها است و دلیلی دیگر که در برآورد معادله از مدل VECM بهره گرفته شد. لذا در صورتی که مشاهده می‌شود تأثیر شوکی بعد از گذشت چندین دوره هنوز از بین نرفته را در نامانایی متغیرها می‌بایست دانست.

همانطور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود و مطابق با مطالب ذکر شده در مبنای نظری با ایجاد شوکی مثبت به اندازه دو انحراف معیار بر متغیر لگاریتم گردشگری اگر شوکی به متغیر لگاریتم گردشگری وارد شود، پاسخ متغیر لگاریتم گردشگری به این شوک همواره مثبت است. در دوره مذکور، با یک شوک نامیرا روبرو بوده‌ایم. نمودارهای قرمز رنگ کران بالا و پایین شوک را در یک سطح اطمینان (معمولاً ۹۵ درصدی) نشان می‌دهد.



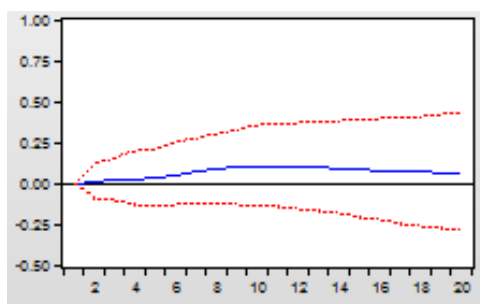
نمودار ۱- پاسخ لگاریتم رشد اقتصادی به شوک وارده به اندازه دو انحراف معیار بر لگاریتم

گردشگری

منبع: یافته‌های پژوهشگر

فصلنامه اقتصاد مالی
شماره ۴۴ / پاییز ۱۳۹۷

با مشاهده نمودار ۱ چنین استنباط می‌شود که ایجاد یک واحد شوک مثبت بر شاخص لگاریتم گردشگری باعث می‌شود در کوتاه‌مدت این شاخص با افزایش روبرو شده و در بلندمدت تأثیر این شوک مثبت منجر به کاهش لگاریتم توریسم می‌شود. یعنی با گذشت زمان و افزایش ورود گردشگری ممکن است در بلندمدت منجر به کاهش رشد اقتصادی نیز شود.



نمودار ۲- پاسخ لگاریتم رشد اقتصادی به شوک وارده به اندازه دو انحراف معیار بر لگاریتم

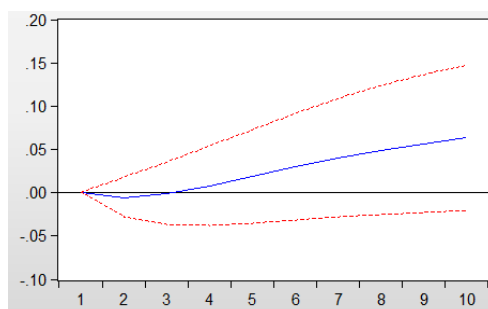
توسعه مالی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مطابق با نمودار ۲ با ایجاد شوکی مثبت به اندازه دو انحراف معیار بر متغیر لگاریتم توسعه مالی اگر شوکی به متغیر لگاریتم توسعه مالی وارد شود، پاسخ متغیر لگاریتم رشد اقتصادی به این شوک همواره مثبت است. در دوره مذکور، با یک شوک نامیرا روبرو بوده‌ایم. نمودارهای قرمز رنگ کران بالا و پایین شوک را در یک سطح اطمینان (معمولاً ۹۵ درصدی) نشان می‌دهد. با مشاهده نمودار ۲ چنین استنباط می‌شود، ایجاد یک واحد شوک مثبت بر شاخص لگاریتم رشد اقتصادی باعث می‌شود در کوتاه‌مدت این شاخص با کاهش روبرو شده و در بلندمدت تأثیر این شوک مثبت منجر به افزایش لگاریتم رشد اقتصادی می‌شود.

همانطور که در نمودار ۳ مشاهده می‌شود با ایجاد شوکی مثبت به اندازه دو انحراف معیار بر متغیر لگاریتم توسعه مالی اگر شوکی به متغیر لگاریتم توسعه مالی وارد شود، پاسخ متغیر لگاریتم گردشگری به این شوک همواره مثبت است. در دوره مذکور، با یک شوک نامیرا روبرو بوده‌ایم. نمودارهای قرمز رنگ کران بالا و پایین شوک را در یک سطح اطمینان (معمولاً ۹۵ درصدی) نشان می‌دهد. با مشاهده نمودار ۳ چنین استنباط می‌شود، ایجاد یک واحد شوک مثبت بر شاخص لگاریتم توسعه مالی باعث می‌شود در کوتاه‌مدت این شاخص با کاهش روبرو شده و در بلندمدت

تأثیر این شوک مثبت منجر به افزایش لگاریتم توسعه مالی می‌شود. از این نمودار چنین نتیجه می‌شود که رابطه میان توسعه مالی و گردشگری در بلندمدت همواره مثبت می‌باشد.



نمودار ۳- پاسخ لگاریتم توسعه مالی به شوک وارده به اندازه دو انحراف معیار بر لگاریتم گردشگری

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۲-۴- تجزیه واریانس

روش تجزیه واریانس، قدرت نسبی زنجیره علیت گرنجر یا درجه برون‌زایی متغیرها را ماورای دوره نمونه اندازه‌گیری می‌کند. لذا تجزیه واریانس را می‌توان آزمون علیت خارج از دوره نمونه نام‌گذاری کرد. در این روش، سهم تکانه‌های وارد شده به متغیرهای مختلف دستگاه، در واریانس خطای پیش‌بینی یک متغیر در کوتاه‌مدت و بلندمدت مشخص می‌شود. در نتیجه می‌توان سهم هر متغیر را بر روی تغییر متغیرهای دیگر در طول زمان اندازه‌گیری نمود. سهم متغیرهای مورد نظر در کوتاه‌مدت (سال اول)، میان‌مدت (سال دوم تا ششم) و بلندمدت (از سال ششم به بعد) بررسی می‌شود.

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، نتایج حاصل از تجزیه واریانس متغیر لگاریتم رشد اقتصادی نشان می‌دهد که در دوره‌ی اول تمام واریانس خطا در لگاریتم رشد اقتصادی توسط خود آن توجیه می‌شود. در دوره‌ی دوم ۹۳/۵۲ درصد از واریانس خطا در لگاریتم رشد اقتصادی توسط خود آن، ۶/۲۷ درصد توسط متغیر لگاریتم گردشگری، ۰/۲۰ درصد توسط متغیر لگاریتم توسعه مالی توجیه می‌شود. در دوره سوم ۸۹/۶۵ درصد از واریانس خطا در لگاریتم رشد اقتصادی توسط خود آن، ۱۰/۲۳ درصد توسط متغیر لگاریتم گردشگری، ۰/۱۰ درصد توسط متغیر لگاریتم توسعه مالی توجیه می‌شود. بالاخره در دوره آخر (دوره دهم)، ۷۵/۳۱ درصد از واریانس خطا در لگاریتم رشد اقتصادی، ۱۵/۱۷ درصد توسط متغیر لگاریتم گردشگری، ۹/۵۱ درصد توسط متغیر لگاریتم

توسعه مالی توجیه می‌شود. مطابق با جدول بعد از متغیر رشد اقتصادی به ترتیب متغیر گردشگری و توسعه مالی بیشترین تاثیر را در بی‌ثباتی متغیر گردشگری داشته‌اند.

جدول ۷- تجزیه واریانس

دوره	LGDP	LTOURISM	LFINANCE
۱	۱۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۲	۹۳/۵۲	۶/۲۷	۰/۲۰
۳	۸۹/۶۵	۱۰/۲۳	۰/۱۰
۴	۸۷/۵۴	۱۲/۲۲	۰/۲۲
۵	۸۶/۰۵	۱۳/۱۷	۰/۷۷
۶	۸۴/۵۵	۱۳/۶۲	۱/۸۱
۷	۸۲/۸۷	۱۳/۸۷	۳/۳۱
۸	۸۰/۶۴	۱۴/۱۷	۵/۱۷
۹	۷۸/۱۴	۱۴/۵۷	۷/۲۸
۱۰	۷۵/۳۱	۱۵/۱۷	۹/۵۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵- بحث و نتیجه‌گیری

صنعت گردشگری با ویژگی‌های خاص خود، صنعتی پویا با آینده‌ای روشن تلقی می‌شود. سرمایه‌گذاری در این صنعت در تمام کشورهای دارای جاذبه‌های جهانگردی روبه افزایش است. امروزه جذب گردشگران خارجی به رقابتی فزاینده در بین نهادهای درگیر در صنعت گردشگری تبدیل شده است.

زیرا این صنعت نه تنها در پیشبرد اقتصاد ملی و درآمدهای ارزی نقش دارد بلکه صنعتی است پاکیزه و عاری از آلودگی و در عین حال ایجادکننده مشاغل جدید. اینکه امروزه مشاهده می‌شود که کشورهای صنعتی تمام نیرو و توان خود را در جهت جذب جهانگرد به کار می‌گیرند، موبد جایگاه این صنعت در اقتصاد است، عایدی حاصل از گردشگری پایدار و در عین حال امکان بهره‌برداری از آن در کوتاه‌مدت فراهم است. همچنین اشتغال‌زایی در این صنعت بالا بوده و نیروی انسانی مورد نیاز آن محتاج به آموزش بلندمدت نمی‌باشد.

در این پژوهش به بررسی رابطه بین رشد اقتصادی، صنعت گردشگری و توسعه اقتصادی با استفاده از رویکرد VECM و با بهره‌گیری از داده‌های سری زمانی در طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۹۵

پرداخته شد. در این راستا پس از بررسی پویایی متغیرها و تعیین وجود رابطه هم‌انباشتگی میان متغیرها، مدل تصحیح خطای برداری برآورد شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین رشد اقتصادی و گردشگری رابطه مثبت و معنادار و بین رشد اقتصادی و توسعه مالی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

رابطه بلندمدت بین متغیرها نشان داد که با افزایش ورود توریسم به کشور تقاضا برای کالاهای مصرفی و خدماتی افزایش یافته و به تبع آن تولید و اشتغال افزایش که به دنبال آن منجر به افزایش رشد اقتصادی کشور می‌شود. در رابطه با توسعه مالی باید گفت هر چه کشوری از نظر توسعه مالی پیشرفته‌تر باشد، رشد اقتصادی آن کشور نیز در سطح بالایی قرار دارد. سیستم‌های مالی کارآمدتر، موانع تأمین مالی خارجی را کاهش داده و با تسهیل شرایط دسترسی واحدهای تولیدی و صنعتی به سرمایه‌های خارجی، زمینه گسترش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بیشتر را فراهم می‌سازند. بازارهای مالی می‌توانند نقش مهمی در رشد اقتصادی بازی کنند سیستم کارای مالی، سرمایه را از پس‌اندازکنندگان به وام‌گیرندگان انتقال می‌دهد و منابع را به سمت پروژه‌های سرمایه‌گذاری مولد و سودده هدایت می‌کند. هر قدر بهره‌وری سرمایه‌گذاری بیشتر باشد، نرخ رشد اقتصاد نیز بیشتر خواهد بود و توسعه مالی همچون گردش مالی راحت در کشور مبدا برای گردشگران و استفاده ساده از ابزارهای مالی در جهت تأمین مالی برای گردشگران در رشد و توسعه این صنعت نقش به‌سزایی دارد. همانگونه که افزایش توسعه مالی سبب رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد و افزایش رشد اقتصادی نیز سبب بهبود زیرساخت‌ها و توسعه صنعت گردشگری می‌شود. در رابطه با بحث گردشگری و توسعه مالی بر رشد اقتصادی می‌توان پیشنهاداتی ارائه نمود که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

(۱) با توجه به اینکه کشور ایران جزء کشورهای تک محصولی می‌باشد و درآمد آن متکی به نفت می‌باشد می‌توان با گسترش صنعت گردشگری در ایران این کشور را از تک محصولی بودن خارج کرد و درآمدهای دولت نیز افزایش می‌یابند. از طرفی هم قسمتی از درآمدها صرف تولید و اشتغال شده و منجر به رشد اقتصادی می‌شود.

(۲) با تربیت نیروی انسانی متخصص می‌توانیم فرهنگ کشورمان را برای گردشگران بازگو کرد و اعتماد آنها را کسب و سرمایه‌های خارجی را جذب کرد و با این سرمایه‌ها تولید را گسترش و رشد اقتصادی کشور را بالا برد.

(۳) تدوین برنامه جامع توسعه گردشگری

(۴) تلاش در جهت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ایجاد انگیزه لازم در خصوص سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی در بخش‌های مختلف گردشگری.

- ۵) تشویق سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری با اعطای تسهیلات کم بهره و بلندمدت و معافیت‌های مالیاتی برای بخش خصوصی که از این طریق رشد اقتصادی افزایش می‌یابد.
- ۶) توجه به زیرساخت‌ها و امکانات لازم برای توسعه گردشگری
- ۷) افزایش سهم بخش خصوصی از کل اعتبارات، توسعه بازارهای بورس و اوراق قرضه و استفاده از ابزارهای متنوع و پیشرفته‌ی مالی.

فهرست منابع

- ۱) الفتی، سمن؛ و بابایی، النا. (۱۳۸۱). بررسی مدل رشد درون‌زا در اقتصاد ایران. پژوهش‌نامه رشد اقتصادی، شماره ۵، صص ۴۸-۶۷.
- ۲) ارمغان، سیمین. (۱۳۸۶). گردشگری و نقش آن در جغرافی، اسلام شهر: دانشگاه آزاد اسلامی اسلامشهر.
- ۳) تقوی، مهدی؛ و خلیل عراقی، مریم. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر سرکوب مالی در اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۲، صص ۵۳-۶۵.
- ۴) خطیب سمنانی، محمدعلی؛ فتحی، منصوره. (۱۳۹۰). بررسی راه‌کارهای توسعه گردشگری در استان آذربایجان غربی. فصلنامه اقتصاد مالی (علوم اقتصادی سابق)، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۹۵-۱۱۲.
- ۵) خوارزمی، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). بررسی رابطه علیت گردشگری و تجارت در ایران، مجله پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۳۷، صص ۱۰۸-۹۱.
- ۶) طیبی، کمیل؛ جباری، امیر؛ و بابکی، روح اله. (۱۳۸۷). بررسی رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی (مطالعه موردی ایران، کشورهای OECD و کشورهای منتخب)، مجله دانش و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۲۴، صص ۸۶-۶۵.
- ۷) گسگری، ریحانه؛ و میستری، مالیکا. (۱۳۸۹). برآورد مدل رشد اقتصادی در ایران با استفاده از گسترش مدل فدر، فصلنامه اقتصاد کاربردی، سال اول، شماره سوم، صص ۱۳۶-۱۱۹.
- ۸) گجراتی، دامودار. (۱۳۷۸). مبانی اقتصاد سنجی، ترجمه حمید ابریشمی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹) محسنی، رضاعلی. (۱۳۸۸). گردشگری پایدار در ایران: چالشها و راهکارها، فضای جغرافیایی، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۱۷۱-۱۴۹.
- ۱۰) محمدی، تیمور؛ کریمی، مجتبی؛ نجارزاده، نگین و شاه کرم اوغلی، معصومه. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر تقاضای گردشگری در ایران. فصلنامه اقتصاد مالی (علوم اقتصادی سابق)، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۴۲-۱۱۴.
- ۱۱) مؤمنی وصالیان، هوشنگ؛ و غلامی‌پور، لیلا. (۱۳۹۰). تخمین تابع تقاضای گردشگری در استان‌های منتخب. فصلنامه اقتصاد مالی (علوم اقتصادی سابق)، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۶۶-۱۸۵.

۱۲) میرزایی، حسن؛ و جلیلی، ساناز. (۱۳۹۰). تأثیر توسعه گردشگری بر رشد اقتصادی مقایسه ایران و کشورهای منتخب، فصلنامه اقتصاد مالی (علوم اقتصادی سابق)، سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۱۳۷-۱۴۹.

۱۳) یآوری، کاظم؛ رضا قلی زاده، مهدیه؛ آقایی، مجید؛ و مصطفوی، محمد حسن. (۱۳۸۹). تأثیر مخارج توریسم بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC). مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۱، صص ۱۶۳-۱۷۸.

- 14) Butcher, G., Fairweather, J. R. & Simmons, D. G. (2003). The Economic Impact of Tourism on Christchurchcity and Akaroa Township. *Journal of Economic Dynamics and Control*, 11:211-200.
- 15) Bodie, Z., Alex, K., & Alan, M. J. (2001). *Essential of Investments* (5 ED.), New York: Mcgraw Hill.
- 16) Balaguer, J. and Cantavella-Jorda, M. (2002). Tourism as a Long-Run Economic Growth Factor: The Spanish Case. *Applied Economics*, 34, 877-884. .
- 17) Başarir, C., & Çakir, Y. N. (2015). Causalinter Actions between CO2 Emissions, Financial Development, Energy and Tourism. *Asian Economic and Financial Review*, 5(11), 1227-1238.
- 18) Creane, S., Rishi Goyal, A., Moshfigh, M. and Randa, S., (2004). *Financial Sector Development in the Middle East and North Africa*, IMF Working Paper, Washington: International Monetary Fund
- 19) Eugenio-Martin, J. L., & Morales, N. M. (2004). Tourism and Economic Growth in Latin American Countries: A Panel Data Approach, *Tourism Management* 21, 59-64.
- 20) Fayissa, C, Nsiah, B Tadasse, 2009, *Tourism and Economic Growth in Latin American Countries (LAC): Further Empirical Evidence*, Working Papers.
- 21) Figini, P., & Vici, L. (2010). Tourism and Growth in Across Section of Countries. *Tourism Economics*, 16(4), 789-805.
- 22) Kim, H. J., Chen, M. H., & Jang, S. C. (2006). Tourism Expansion and Economic Development: The Case of Taiwan, *Tourism Management*, 27(5), 925-933.
- 23) Kumar, R.R., Loganathan, N., Patel, A., & Kumar, R.D. (2015). Nexus between Tourism Earnings and economic growth: A study of Malaysia. *Quality and Quantity*, 49(3), 1101-1120.
- 24) Johansen, S. (1988). Statistical Analysis of Cointegration Vevtors, *Journal of Economic Dynamics and Control*, 12:231-254
- 25) Meier, G. M. & D. Seers. (1984). *Pioneers in Development*. New York: Oxford Press.
- 26) Marin, D. (1992). Is the Export-Led Hypthothesis Valid For Industrialized Countries? *Review of Economics and Statistics*, 74: 678.
- 27) Patrick, H.T. (1966). Financial Development and Economic Growth in Underdeveloped Countries. *Economic Development Cultural Change*, 14(January): 174- 189.
- 28) Rampal, o. (2017). The Relationship between Tourism, Financial Development and Economic Growth in India: *Future Business Journal*, Volume 3, Issue 1, June, 9-22.

- 29) Stern, N. (1989). The Economics of Development: A Survey. *Economic Journal*, 99(397): 597-685.
- 30) Song, H., & Lin, S. (2010). Impacts of the Financial and Economic Crisis on Tourism in Asia. *Journal of Travel Research*, 49(1), 16-30.
- 31) Seetanah, B. (2011). Assessing the Dynamic Economic Impact of Tourism Forisl and Economies. *Annals of Tourism Research*, 38(1), 291-308.
- 32) Shahbaz, M., Kuma, R. R., Ivanov, S., & Loganathan, N. (2016). The Nexus between Tourism Demand and Output Per Capita, with There lative Importance of Trade Openness and Financial Development: A study of Malaysia. *Tourism Economics*, 1-19.
- 33) Singh, A. (1997). Financial Liberalization, Stock Markets and Economic Development. *Economic Journal*, 107(442): 771- 782.
- 34) Tashkini, A., (2006), Does Inflation Uncertainty changing with the level of inflation? *Journal of Economic researches*, No. 73, pp. 193-210.
- 35) Wang, P., & Godbye, G. (1994). A Normative Approach to Tourism Growth to the Year 2000, *Journal of Travel Reasearch*, summer, 32-37.
- 36) Zortuk, M. (2009). Economic Impact of Tourism on Turkey's Economy: Evidence from Cointegration Tests, *International Research Journal of Finance and Economics*.

یادداشت‌ها

- ¹ World Tourism Organization (WTO)
- ² Balaguer, Cantavella-Jorda
- ³ Hick man
- ⁴ Butcher., Fairweather, Simmons
- ⁵ Marin
- ⁶ Harod-Domar
- ⁷ Rabert Solow
- ⁸ Romer
- ⁹ Loucas
- ¹⁰ Creane
- ¹¹ Meier and Seers
- ¹² Patrick
- ¹³ Balaguer, Cantavella-Jorda.
- ¹⁴ Eugenio-Martin, Morales.
- ¹⁵ Kim, Chen, Jang.
- ¹⁶ Figini, Vici.
- ¹⁷ Song, Lin.
- ¹⁸ Seetanah
- ¹⁹ Başarir, Çakir
- ²⁰ Kumar ,Loganathan,,Patel, Kumar
- ²¹ Shahbaz, Kuma, Ivanov, Loganathan.
- ²² Ramphul
- ²³ Johansen- Juselius Cointegration Test
- ²⁴ Ordinary Least Square
- ²⁵ Vector Autoregressive

²⁶ Trace Test

²⁷ Maximal Eigen Value Test

²⁸ Vector Error Correction Model (VECM)

²⁹ Error correction term

³⁰ Tashkini

³¹ Gross Domestic Product (GDP)

³² Bodie, Alex, Alan

³³ Wang, Godbey